

کیمیایان

ریسک یا مخاطره‌پذیری یکی از عناوین مطرح در زندگی امروزی به‌ویژه در فعالیت‌های اقتصادی است. از نظر عرف جامعه، کسانی که دارای خلاقیت هستند و به عنوان کار آفرین و مبتکر شناخته می‌شوند، انسان‌هایی با در صد بالایی از خطر‌پذیری هستند.

تصولات گوناگون در همه حوزه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن مذبون کسانی است که دارای روحیه خطر‌پذیری بوده و هستند؛ زیرا آنان به سبب جسارت و شهامتی که دارند، خطر می‌کنند و در دنیای ناشناخته‌ها گام می‌گذارند و این گونه

خطرپذیری در زندگی

■ محمدحمزهای

پذیرش احتمال شکست، ضرر، خسارت و زیان در راه رسیدن به مقصد و هدفی است. خطرپذیری کسی است که اهل احتیاط مصطلح نیست و اینگونه نیست که محافظه‌کارانه از هرگونه اقدامی که احتمال خطر در آن باشد دست بردارد و لقای رسیدن به هدف را به عطای خطر ببخشد.

خطرپذیری، عامل تغییرات مهم

دگرگونی‌ها و تغییرات در همه حوزه‌ها در گرو خطرپذیری افراد است. تاریخ را کسانی ساخته‌اند که خطرپذیر بوده و نسبت به روندهای طبیعی واکنش مثبتی بروز نمی‌دادند. اینان همواره در اندیشه این هستند که راه‌های دیگری را تجربه و کشف کنند. پس نسبت به آداب و سنت‌ها و رویه‌ها و روش‌های موجود نگاهی دیگر دارند که اگر اعتراضی نباشد ولی آن را تنها راه‌کار بروزرفت یا شیوه درست رسیدن به مقصد و هدف نمی‌دانند. پس همواره راه‌های دیگر را تجربه می‌کنند تا موفقیت‌ها را به شکل ساده‌تر و آسان‌تر و کم‌هزینه‌تری به دست آورند. هر چند که در ابتدا ممکن است به سبب آزمون، هزینه‌های گزاف بپردازند و با دل به دریا زند مرگ را نیز بی‌نصیب نگذارند.

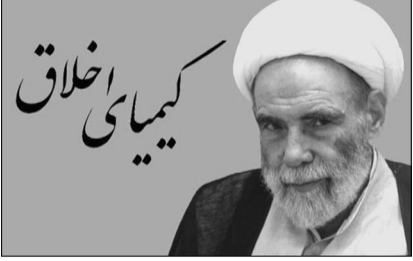
مخاطره‌پذیری: شجاعت، شهامت یا تهور و بی‌باکی
خطر که در انگلیسی از آن به ریسک (Risk) تعبیر می‌شود، واژه‌ای است که انسان‌ها را به طور طبیعی به احتیاط وا می‌دارد. هیچ انسانی زمانی که می‌داند خطری جان و مال و عرض او را تهدید می‌کند، به سوی خطر نمی‌رود و به هیچ شک و شبیه‌های به حکم عقل عمل کرده و به حکم قوه غنشی در برابر خطر واکنش شدیدی از خود بروز می‌دهد. زمانی که انسان با خطری مواجه می‌شود به طور طبیعی عقل با حکم به پرهیز، او را ابرای مواجهه و درگیری احتمالی آماده می‌کند و به قوه غنشی فرمان می‌دهد تا آمادگی مبارزه خون‌تأمیز برای می‌زند و از آن پرهیز نمی‌کنند؛ چه رسد که نسبت به احتمال خطر واکنش احتمالی در پیش گیرند و خود را کنار بکشند.
خطرپذیران به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: ۱- کسانی که با سنجش میزان خطر و هدف، می‌کوشند تا در یک چارچوب عقلانی، اهم و مهم کرده و در مقام ترحام خطر و هدف، اگر ارزش هدف را بیشتر می‌دانند، شتاب را به جان بپذیرند. این افراد همان کسانی هستند که در اصطلاح عرف به عنوان شجاع شناخته می‌شوند. مجاهدان در راه خدا این گونه هستند؛ چرا که آنان خطر مرگ را به جان می‌خرند تا رضایت و خشنودی خدا و بهشت موعودش را به دست آورند. ۲- دسته دیگر کسانی هستند که عقل در زندگی آنان جایی ندارد بلکه عواطف و احساسات زندگی آنان را مدیریت می‌کنند. این دسته چون گوش به فرمان نفس و هواهای آن هستند تابع احساسات و عواطف خود بوده و قوه شهوانی یا غنشی هر فرمائی را صادر کند بی‌درنگ آن را انجام می‌دهند. بنابراین، وقتی با خطری مواجه ششوند، اگر از سوسی نفس یا وسوسه‌های بیرونی تحریک شوند به درون خطر می‌زنند و بی‌محابا پیش می‌روند. این دسته افراد که در اصطلاح عرف به انسان‌های بی‌باک، متهور، بی‌پروا و مانند آن شناخته می‌شوند، تحت کنترل نفس یا وسوسه‌های بیرونی قرار دارند و براساس احساسات و عواطف عمل می‌کنند. در این گروه، بیشتر جوانان قرار دارند؛ زیرا اینان دارای عقل بالغ و کاملی نیستند و هنوز احساسات و عواطف است که قوه محرکه آنان را تشکیل می‌دهد. موثر حرکتی آنان می‌تواند خواسته‌های نفسانی خود و قوه غضب و شهوت یا وسوسه‌های بیرونی باشد که از سوی دیگر مدیریت و کنترل می‌شود و جوانان نسبت‌ها به عنوان ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرند. همین مسئله است که در ساختار ارتش‌ها بیشتر از جوانان استفاده می‌کنند و با جهت‌دهی احساسات، آنان را به درون خطر گسیل می‌دارند.

به به حال، اصطلاح ریسک‌پذیری و خطرپذیری که در عرف جامعه امروزی شایعه است درباره گروهی است که احتمال خطر معمولی و بلکه بالای آنان را از مسیر اصلی یادبندی دارد و آنان به صرف احتمال خطر، دست از کاری بر نمی‌دارند. این افراد از نظر توده‌های مردم، افرادی باشهامت شناخته می‌شوند. خطرپذیری یعنی احتمال هر نتیجه‌ای به غیر از آنچه انتظارش را داریم.

برخی خطرپذیری را به معنای تمایل به مخاطره‌پذیری و پذیرش مخاطره‌های متعددی می‌دانند که می‌توان از طریق تلاش‌های شخصی مهار کرد. در هر مخاطره‌ای یک عنصر اصلی به نام «احتمال شکست» در ایجاد آن نقش دارد.

پس خطرپذیری با دانستن احتمال شکست اقدام به کاری می‌کند. در عمل اقتصادی، یک کارآفرین با سرمایه‌گذاری درعرصه‌های کمتر شناخته شده بر آن است تا به تولید و ثروت بیشتر دست یابد. این‌جا احتمال شکست وجود دارد، ولی کارآفرین با سنجش میزان موفقیت نسبت به شکست، اقدام کرده و در آن عرصه سرمایه‌گذاری می‌کند.

در فرهنگ انگلیسی وبستر ریسک یا مخاطره‌پذیری به معنای احتمال ضرر یا خطر یا احتمال خسارت، در معرض مخاطره یا آزمایش گذاشتن و مخاطره کردن و مخاطره انداختن آمده است. پس ریسک‌پذیری به معنای قبول خطر کردن و



آداب سه گانه

رُؤْيُ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اَدَّبْنِي اَبِي بِنَلَاتٍ، قَالَ لِي: يَا بَنِيَّ مَنْ يَمْسُجُ صَاحِبَ السُّوءِ لَايَسْلَمُ وَ مَنْ لَايَقْتَدُ الْقَاطِفَةَ يَنْدَمُ وَ مَنْ يَدْخُلُ مَدَاحِلَ السُّوءِ يَبْتَهِمُ ^(۱)

اصاح صادق (ع) فرمودند:پدر بزرگوارم امام محمدباقر(ع) مرا به سه چیز ابد کردند و فرمودند:«هی پسرم! هر کس رفت و آمد و نشست و برخاستش با انسانهای بدی باشد که آن افراد روشهای بدی دارند، این را بداند که به سلامت نخواهد رسید و کسی که زبان خود را مهار نکند و جلوی سخنان خود را نکند، بلاخره پیشیمان خواهد شد و کسی که در مکلفهای بدنام و جلساتی که اعمال بد و گناه در آنها انجام می‌شود، وارد شود به کاری بد منتهم می‌شود.»
شرح حدیث:
اول: حضرت روابط با انسانهای دیگر را می‌فرماید که مصاحبت، معاشرت و مجالست و رفاقت با انسانهایی که از بدکارانند، هرچند هم که انسان خوب باشد روی او اثر می‌گذارد و بی‌پرو برگرد، انسان خراب خواهد شد.

دوم: مراقبت و مواظبت از زبان است که هر چیزی از آن بیرون نیاید. اولین گام در مسیر و سلوک الهی در سرب مراقبت، مراقبت زبانی می‌باشد و بداند که بسیاری از انسان‌ها روز قیامت به خاطر مراقبت نکردن از زبان خود وارد جهنم می‌شوند. اثر روابط و رفاقت با انسانهای ناسالم و مراقبت نکردن از زبان فقط در قیامت نمی‌باشد، بلکه در همین دنیا و در روابط بد، بد می‌شود. اگر زبان مقید نباشد، انسان پیشیمان می‌شود. سوم: اگر انسان به مکاتبا و مجالس و جاهایی برود که در آنجا افراد بدکار، بی سربوای می‌روند و گناه و معصیت، لهو و بلباس، بی‌عفت، تهمت، بدگویی، بدزبانی و … انجام بشود، حتی اگر خود او هم کار بد انجام ندهد، مَثْمَم به آن اعمال می‌شود، که باعث پیدایش این اتهام هم خود او می‌باشد.

۱|بحار الانوار، جلد۷۵، صفحه ۲۶۱

■ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شیخ مجتبی

تهران(۱۶)

معارف

Maaref@Kayhan.ir

است که کشفیات جدیدی را انجام می‌دهند و تحولات بسیاری را در جامعه پدید می آورند.

سوال این مقاله این است که آیا از نظر اسلام، خطر‌پذیری امری ممدوح است یا به عنوان امری مذموم تلقی می‌شود؟ اسلام این روحیه را چگونه ارزش گذاری می‌کند؟ چرا که شکی در وجود چنین روحیه‌ای در بسیاری از افراد نیست و همین روحیه است که رفتارهای شخص را جهت می‌دهد؟ اسلام به عنوان دینی که رفتارهای مکلفین را ارزش گذاری می‌کند در این زمینه چه حکمی دارد؟

■ **با نگاه تحلیلی به پیشرفت‌ها و تغییراتی که در طول تاریخ پدیدار شده می‌توان به این نتیجه رسید که روحیه خطر‌پذیری در ایجاد تغییرات، بسیار اساسی است. همچنین یکی از دلایل مهم نوآوری، کشفیات مهم جغرافیایی و علمی و فنی و نیز موفقیت‌های مالی، علمی، صنعتی، تجاری و مانند آن در کشورهای پیشرفته همین میزان خطر‌پذیری افراد آن جوامع است.**

محمدحزهای

بزرگ و متعالی خود راه‌های دیگر را نیز تجربه کردند که با خطرهای ناشناخته قرین بوده است.

امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: ضرورات الاحوال تحمل علی رکوب الاحوال؛ ضرورت‌ها و اضطرارهایی که انسان‌ها یا آن در احوال گوناگون مواجه بودند آنها را به خطر‌پذیری سوق داده است. انسان برای رسیدن به هدف و رهایی از چیزی که او را مضطر ساخته است حاضر می‌شود تا خطر را به جان بپذرد و بر آن سوار شود و به درون خطر نهبب زند تا به هدف برسد. (شرح غررالحکم، ج۴، حدیث ۵۸۹۲)

انسان باید خطر را در حد معقول و معمول آن بپذیرد. البته اینکه گفته می‌شود خطر، معقول باشد، به این معناست که هر کاری را می‌بایست بر ترازوی عقل نهاد و دو گفه خطر و هدف را ارزیابی و سنجش کرد. پس اگر دانسته شد که هدف چنان ارزشمند است که انسان جان خود را بدهد در این صورت خطر کردن در جایی که احتمال مرگ است معقول خواهد بود. به عنوان نمونه رضایت خداوندی هدف بسیار اساسی و ارزشمندی است و کسی که بخواهد رضایت خداوند را بچوید گاه باید به سوی جنگی برود که احتمال مرگ در آن بسیار بالاست. با این همه عقل انسانی حکم می‌کند که چنین خطری را برای هدفی چون رضایتمندی خدا بپذیرد و این تجارت را انجام دهد هرچند که به ظاهر خسارت تن است و ولی سود آن برای جان بسیار است؛ چرا که در آن رضایت جانان به دست می‌آید.

اما اگر آن هدف این اندازه بلند و ارزشی نباشد نباید جان را برای آن به خطر انداخت. البته دفاع از ناموس (عرض) و مال در برابر ظالم و متجاوز نیز همین‌گونه ارزش‌گذاری می‌شود؛ زیرا جان باختن در دفاع از حق در برابر ظالم به معنای ظلم سستیزی است که خود امری محبوب عقل و شریعت است. از این رو جان باختن برای آن خوب و معقول و معمول است؛ اما اینکه انسان برای کسب مال، جان را در تک قرار دهد این نه‌تنها معقول نیست بلکه معمول هم نیست. پس خطر‌پذیری نسبت به مردم برای کسب مال جایز نیست.

البته بسیاری از مردم در هنگام عمل توهمانی دارند که مانع از اقدام آنان می‌شود. از جمله این توهمات سختی کار و رسیدن به هدف است. در این موارد می‌بایست خطر کرد و به درون کار پرید تا کار بر شخص آسان شود. توهم سختی و احتمال صعوبت، ادمی را از کار باز می‌دارد که امری غیرمعقول است. بر این اساس حضرت علی(ع) در جایی می‌فرماید: انا هبت امرا فقع فیه، هنگامی که از چیزی می‌ترسی خود را در آن بیگن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت‌تر است. (نهج‌البلاغه/قصار ۱۷۵)

در این راستا دکتر برنز، از پایه‌گذاران روش شناخت درمانی، برای غلبه بر اضطراب اجتماعی توصیه می‌کند: اگر از معاشرت‌های اجتماعی پرهیز می‌کنید باید برای رفع آن، هرچه بیشتر با دیگران رفت‌وآمد کنید و احساسات خود را بروز دهید تا اعتماد با نفس بیشتری پیدا کنید. باید با دیگران بچوسید تا ناراحتی شما برطرف گردد، درست مانند کسی که از آسانسور می‌ترسد، باید سوار آسانسور شود تا بدانند که در آن محبوس نمی‌شود.

اضطراب صحبت در برابر جمع، ناشی از افکار منفی و خطاهای شناختی است و راه درمان آن، مقابله بافکار مغرب و اصلاح نگرش و واکنش منطقی در برابر تهدیدهاست: مثلا اگر پیش خود بگویید: ممکن است کسی از جمع سوآلی کند که نتوانم جواب دهم، راه حل آن است که گفته شود: به آنها می‌گویم: سوآل سخنی جالبی است که جواش را نمی‌دانم. وقتی یکی خطای ساده اجتماعی را وحشتناک می‌بینید از خود بی‌برسید: بدترین اتفاقی که ممکن است بیفتد چیست؟ اگر به واقع این اتفاق بیفتد چه می‌شود؟

به هر حال، از آموزه‌های قرآنی و روایی به دست می‌آید که ریسک‌پذیری رفتاری است که می‌باید در ترازوی عقل و وحی قرار داده شود و با توجه به معقول بودن میزان هدف و خطر، اقدام به خطر کرد وگرنه از مصادیق انداختن نفس در هلاکت است که در آیه ۱۹۵ سوره بقره از آن نهی شده است. پس این‌گونه نیست که در هر کاری انسان هر خطری را به جان بخرد بلکه می‌بایست در ترازوی عقل و دین نهاده و بسنجد و با اهم و مهم کردن خطر و هدف، اقدام نماید.

شاخص‌های اخلاق اجتماعی در سیره نبوی

دعوت‌کننده و مایه رحمتم. لذا پیامبر نه تنها وی را نفرین نکرد بلکه در حق وی دعا نمود.

۶- **رفتار عادلانه با دوست و دشمن**

یکی از نکات قابل توجه در سیره پیامبر و تعالیم معصومین اصالت اجرای عدالت و عدم ظلم با دوست و دشمن است. قرآن کریم می‌فرماید:
مبادا دشمنان را بگریه بشمارا و واردات تا به بی‌عدالتی با آنان رفتار کنید (مائده/۸)

پیامبر نیز در سیره حکومتی خود این آموزه را عمل می‌نمودند و حفظ کرامت‌انسان را از اصول اساسی بر می‌شمرند.ایشان می‌فرمایند:
مردمان از زمان حضرت آدم تا امروز ندانند عدل‌های شانه برابرنند و نه عربی بر عجم برتری دارد و نه سرخی بر سیاه مگر به لحاظ تقوی.(شیخ مفید، اختصاص ص ۳۳۷)
که صدالبته در سیره پیامبر تقوی به عنوان معیار باطنی ایجاد تبعیض‌های ظاهری نشده است همان‌گونه که ایشان و پس از وی امیرالمومنین با استناد به این اصل از تبعیض جلوگیری می‌کردند و به آنان که به خاطر سبقت در اسلام سهم بیشتری از بیت‌المال را طلب می‌کردند دست رد می‌زدند و بیت‌المال را به تساوی تقسیم می‌نمودند.

۷- **دوری از تملق‌خواهی**

از دیگر ویژگی‌های عملی به خصوص درباب سیاست‌از جانب پیامبر اکرم دوری از تملق‌خواهی و نهی شدید از این ویژگی غیرانسانی است.

پیامبر(ص) در این باره در مقام بیان زستی این مساله می‌فرماید:
خاک در صورت ستاینگران و تملق‌گویان بیاشید (سفینه البحار ج۳ ص۵۲۹) که این بیان نشان‌دهنده دم شدید عمل تملق‌گویی و خاصیت فاسدکنندگی آن برای حاکم است. هم چنین است در مورد داستان پابوسی پیامبر(ص)را) که ایشان به شدت از آن منع فرموده و گفتند: با من مانند شاهان عجم برخورد نکنید که من بنده‌ای از بندگان خدایم... (بحار ج۷۶ ص ۶۲)

۸- **فروتنی و در سطح مردم زیستن**

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی پیامبر در سیاست فروتنی و خشوع در برابر مردم بود. قرآن کریم به پیامبر دستور می‌دهد:
در برابر سر مردمان مردم (جامعه دینی) خاضع و فروتن باش (شعرا/۲۱۵)

و درباره سیره عملی پیامبر، ابودر می‌گوید: پیامبر چنین بود که هرگاه میان یاران می‌نشست (جای شخصی نداشت) و اگر می‌خواست می‌آمد نمی‌فهمید پیامبر کدام است و چون چنین بود از ایشان درخواست کردیم تا سکویی از گل بسازیم و ایشان روی آن نشسته و ما اطراف ایشان بنشینیم. (مکرم الاطلاق ص ۱۵)

و بدین ترتیب است که پیامبر ایجاد تفاوت و تبعیض بین حاکم و مردم را روا نمی‌شمرداند.

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۲
۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۵ – شماره ۶۹۴

چراغ راه



مسئولیت در برابر گفتار

قال علی(ع): لا تقبل مالاعلم بل لا تقبل کل ماتعلم، فان الله سبحانه قد فرض علی جوارحک کلها فرائض یحتج بما علیک یوم‌القیمه.

امام علی(ع) فرمود: هر آنچه را که نمی‌دانی، مگو (چون یا دروغ است یا احتمال دروغ در آن می‌رود) بلکه هر آنچه را هم که می‌دانی، مگو (چون ممکن است برای خودت یا برای دیگری زیان داشته باشد). (مانند فاش کردن راز کسی) زیرا خداوند سبحان بر همه اعضا و اندام تو احکامی را واجب کرده که روز قیامت به آنها بر علیه تو دلیل می‌آورد و احتجاج می‌کند.^(۱)

۱- نهج‌البلاغه، حکمت، ۳۷۴



حکایت خوبان

غرور عبادت‌سوز

روزی حضرت عیسی(ع) از صحرایی می‌گشت. در راه به عبادت‌گفتار رسید که عابدی در آنجا زندگی می‌کرد. حضرت با او مشغول سخن گفتن شد. دراین هنگام جوانی که به کارهای رشت و ناروا مشهور بود از آن جا گذشت.وقتی چشمش به حضرت عیسی(ع) و مرد عابد افتاد، پایش سست شد و از رفتن باز ماند و همانجا ایستاد و گفت: خدایا من از کردار زشت خویش شرمندم.اکنون اگر پیامبرت مرا ببیند و سرزنش کند، چه کنم؟ خدایا! عذرم را بپذیر و ابرویم را مبر.مرد عابد تا آن جان را دید سر به آسمان بلند کرد و گفت:خدایا!مرا در قیامت با این جوان نگاه‌ما.کام محشور. مکن.دراین هنگام خدای برترین به پیامبرش وحی فرمود که به این عابد بگویم! ادعایت را مستجاب کردیم و تو را ولی جان خود محشور نمی‌کنیم. چرا که او به دلیل توبه و پشیمانی، اهل بهشت است و تو به دلیل غرور و خودبینی، اهل دوزخ هستی ^(۱)

۱- کیمیای سعادت، محمد غزالی، ج ۱

پرسش و پاسخ

عوامل فردی کاهش رزق و روزی

پرسش:

براساس آموزه‌های وحیانی چه عواملی در عرصه فردی موجب فقر و کاهش رزق و روزی را فراهم می‌آورد؟

پاسخ:

در بخش‌های قبلی پاسخ به این سؤال به چهار عامل بیکاری – تنبلی – بی‌برنامگی در امر معاش – توکل بر غیر خدا و گناه و نافرمانی اشاره کردیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

۵- زنا

همچنان‌که از دواچ و برقراری رابطه سالم و مشروع، موجب افزایش رزق و رفق فقر و تهیدستی می‌شود، عمل نامشروع و ناسالم زنا نیز موجب بسته شدن باب رزق انسان و محرومیت از نعمات و الطاف الهی می‌گردد. در روایتی از پیامبر مکرم اسلام(ص) برای علی پلید زنا، شش پیامد منفی در دنیا و آخرت شمارش شده است:

«زنا را برحذر بشابید، که شش ویژگی (منفی) دارد، سه مورد در دنیا و سه مورد در آخرت. اما پیامدهای دنیایی آن، آبروی انسان را می‌برد، رزق را از آسمان قطع و مرگ را نزدیک می‌کند. اما پیامدهای اخروی آن، سختی حساب، خشم خداوند، خلود در آتش است. (همان، ص ۴۰۸) عبارت «پرده شدن رزق از آسمان» حکایت از آن است که مطابق قول اولیه و رحمت عام خداوند، رزق فردی انسان نیز مانند همه موجودات دیگر؛ از آسمان رحمت خداوند بر او می‌بارد، اما این عمل ناشایست او است که از رحمت خداوند جلوگیری کرده و باعث قطع شدن رزق او می‌شود.
میراودین برداشت، این به شریفه ۵۳ سوره انفال است که خداوند می‌فرماید:
ذلک بان الله لم یک مفریر انعمه انهمما قوم فحشوی یغفروا ما کانفهم» این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد جز آن که آنها خودشان را تغییر دهند. بر اساس این اصل مستحکم قرآنی، تا هنگامی که انسان‌ها خود باعث سلب نعمت از خود نشوند، خداوند آنان را از نعمت بی‌پوسته و مداوم محروم نخواهد کرد. در روایتی دیگر از امام صادق(ع) عمل شنیع زنا موجب «محبوس شدن رزق» انسان شمرده شده است و «والذنوب التي تحبس الرزق الازنا» (اختصاص، ص ۲۳۸) بر اساس این روایت رزق افراد در اثر بدکرداری، معدوم نیست نمی‌شود، بلکه محبوس و زندانی می‌شود.کلید این زندان نیز به شدت خود انسان است، که در نتیجه رفتار و گفتار خود و برداشتن موانع جریان رزق، مسیر روزی خود را به جریان و حرکت اندازد و درخت زندگی خود را از آن می‌ریراب کند.

۶- **اخلاق بد (سوءخلق)**

همچنان‌که اخلاق خوب، موجب جلب رحمت و محبت خداوند، محبوبیت بین مردم، افزایش رزق و روزی و برکت در زندگی خواهد شد، اخلاق بد نیز برعکس موجب ناخشنودی خداوند، ناخرسندی مردم، کاهش رزق و روزی و بی‌برکتی در زندگی می‌شود.علی(ع) در این زمینه می‌فرماید:

«هن سلفه ضاق رزقه» روزی انسان بداخلاق، تنگ می‌شود (غزراالحکم) همچنین در روایتی دیگر می‌فرماید: «بدهدنی و فحاشی نسبت به برادر مسلمان، موجب بی‌برکتی، وانگاز شدن او به خودش) و محرومیت از الطاف خاص خداوند) و آسیب دیدن زندگی او خواهد شد. (کافی، ج ۲، ص ۳۲۶)

ادامه دارد

سلوک عارفانه

کارکرد رقیب مخالف مراقبت

(بدان ای سالک راه خدا!) از آن وقتی که سالک به مراقبه برمی‌خیزد، رقیب سر سخت او نیز مراقبه را شروع می‌کند. مراقبه در حقیقت یک نوع مبارزه است. مراقبت می‌خواهد در تمام حالات حق را منظور بدارد، رقیب می‌خواهد حق را از نظر دور بدارد. مراقبت در مسیر به سبوی حق است. رقیب دراین خیال است که سالک را از طریق حق منحرف سازد، مراقبت به طاعات و عبادات روی می‌آورد. رقیب او را به سوء و فحشا امر می‌کند. او رونه غفاف و کفاف می‌رود، این به فقر و تنگدستی او را می‌ترساند، او را وسعه، غرور و مکر کنار می‌کشد. این به مکر و وعده و غرور او را می‌فریبد، و بلاخره این جنگ وگریز هست تا یکی از این دو به دیگری غالب شود. اگر هوی نفس و شیطان (رقیب مخالف سالک) غالب شود، کار سالک زار است. «فقد خسر خسراناً مبیناً». اگر سالک غالب گردد، «فقد فاز فوزاً عظیماً»

در پی مشتهیات نفس بوده و هرچه می‌خواهند برای خود می‌خواهند و خود را منظور می‌دارند. چون از خودپرستی خلاص نشده و خواسته آنها نفسانی است، رقیب بر آنها غالب می‌گردد^(۱)

۱- عقامات معنوی، محسن بینا، ج ۱، ص ۱۴۸